



## غزوه حنین

- غزوه در اصطلاح به جنگی گفته می‌شود که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خود فرماندهی آن را به عهده داشت. غزوه «حنین» از غزوات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با مشرکان هوازن، در سال هشتم هجرت
- [۱] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحدیث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۸۸۹.
- [۲] توبه/سوره ۹، آیه ۲۵.
- [۳] ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیرة، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۲۴۱.
- وقعه حنین،
- [۴] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.
- غزاه حنین،
- [۵] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۶۲۰۰۰، ج ۱، ص ۲۸۲.
- غزوه هوازن
- [۶] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۱۴.
- [۷] مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسن، التنبیه والإشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.
- و وقعه هوازن
- [۸] ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیرة، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۲۴۱.
- نیز نامیده اند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - شرح غزوه
- ۲ - واکنش پیامبر
- ۳ - حضور اهل مکه
- ۴ - بازگشت به جنگ
- ۵ - اسامی غزوه حنین
- ۶ - زمان واقعه حنین
- ۷ - موقعیت حنین
- ۸ - علت وقوع غزوه حنین
- ۹ - گروه‌های شرکت‌کننده در جنگ
- ۱۰ - قبایل هم‌پیمان تقیف
- ۱۱ - اقدامات مالک بن عوف قبل از جنگ
- ۱۲ - اقدامات امنیتی پیامبر
- ۱۳ - عاریه گرفتن زره از صفوان بن امیه
- ۱۴ - تعداد سپاهیان اسلام
- ۱۵ - جانشین پیامبر در مکه
- ۱۶ - سخن ابوبکر هنگام حرکت
- ۱۷ - پیشاهنگ سپاه اسلام
- ۱۸ - جاسوسی از مسلمانان
- ۱۹ - برچم‌داران سپاه اسلام
- ۲۰ - بازدید پیامبر از سپاه
- ۲۱ - حمله مشرکان به مسلمانان
- ۲۲ - شمار حامیان پیامبر
- ۲۳ - شمار فراریان از جنگ
- ۲۴ - راهکار پیامبر برای برگرداندن فراریان
- ۲۵ - قویترین مرد میدان
- ۲۶ - هلاکت دشمن به دست حضرت علی
- ۲۷ - سبب هزیمت دشمن
- ۲۸ - کشته شدگان از بنی مالک
- ۲۹ - اقدامات مشرکان پس از جنگ
- ۳۰ - رفتار پیامبر با خواهر رضاعی خود
- ۳۱ - مسئول غنائم مسلمانان
- ۳۲ - حرکت پیامبر به سمت جعرانه
- ۳۳ - نحوه تقسیم غنائم
- ۳۴ - پایان جنگ
- ۳۵ - هجرت به مدینه
- ۳۶ - فهرست منابع
- ۳۷ - پانویس
- ۳۸ - منبع

غزوه «حنین» از **غزوات پیامبر** (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با **مشرکان هوازن**، در سال هشتم هجرت [۹] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحدیث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۷۱. اتفاق افتاد. «حنین» در منطقه‌ای بین مکه و طائف قرار داشت و از مکه سه شب فاصله داشت.

[۱۰] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق، الطبعة الاولى، ج ۲، ص ۱۱۴. و طایفه هوازن در نزدیکی آن زندگی می‌کرد. بعد از فتح مکه این طایفه به فرماندهی جوانی سی ساله به نام **"مالک بن عوف نصری"**

[۱۱] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحدیث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۸۸۹. به جمع‌آوری نیرو پرداخت تا در پرتو آن بتواند با **مسلمانان** مقابله کند. از این‌رو به جمع‌آوری ده هزار جنگجو اقدام کرد که به وسیله شتران و گوسفندان پشتیبانی می‌شد.

[۱۲] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۹۵. مالک بن عوف نصری که بر خلاف نظر شیوخ قبیله دست به چنین کاری زده بود، دستور داد تا همه سپاهیان، زنان و کودکان و نیز شتران و گاو و گوسفندان خود را به همراه بیاورند؛ چرا که این اقدام باعث خواهد شد، جنگجویان در دفاع از مال، جان و ناموس خود محکم‌تر باشند.

[۱۳] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۸۷.

## واکنش پیامبر

از سوی دیگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از نصب **"عتاب بن اسید"** به عنوان حاکم مکه، [۱۴] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحدیث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۹۳۶. به همراه دوازده هزار نفر [۱۵] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۴۶۳. عازم حنین شد [۱۶] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق ابو صهب الکریمی، بیروت، دارالافکار الدولية، ۲۰۰۴م، الطبعة الاولى، ص ۴۴۲. که هزار نفر از آنان را به فرماندهی **"خالد بن ولید"** به عنوان مقدمه لشکر پیش فرستاد.

[۱۷] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۹۷. ایشان همچنین دستور دادند، همان افرادی که به هنگام ورود به مکه پرچمدار بوده‌اند، **پرچم** را بر دوش گیرند و پرچم بزرگ را به دست **"علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)"** داد.

[۱۸] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۹۵. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صبح روز شنبه، ششم **شوال**

[۱۹] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۴۶۳. از مکه خارج شد.

[۲۰] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۸۹.

از سوی دیگر مالک بن عوف که لشکر خود را آماده کرده بود، سه نفر را برای کسب خیر به لشکرگاه مسلمانان فرستاد، همان کاری که **"عبداللّه بن ابی‌خدر اسلمی"** برای رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انجام داد.

[۲۱] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق، الطبعة الاولى، ج ۲، ص ۱۱۴.

## حضور اهل مکه

در این غزوه، که اولین غزوه بعد از فتح مکه به شمار می‌رفت، مردم مکه و انبوهی از مشرکان سابق، از جمله سران آنها، مانند **"صفوان بن امیه"**، **"ابوسفیان"** و بسیاری دیگر هم حضور داشتند؛ اما آنان چندان مایل به پیروزی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نبودند، بلکه بیشتر برای دیدن نتیجه **جنگ** و بهره‌مندی از **غنائم**، همراه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شده بودند.

[۲۲] ابن عقبه، مجد بن موسی، المغازی النبویه، تحقیق حسین مرادی نسب، قم، منشورات ذی القربی، ۱۴۱۴هـ.ق، الطبعة الاولى، ص ۳۶۷. با توجه به این نکته، هنگامی که مقدمه سپاه به فرماندهی خالد بن ولید، وارد منطقه و دره حنین شد، با حمله مشرکین هوازن که از شب قبل در دره کمین کرده بودند، روبرو شدند. نیروهای خالد بن ولید نتوانستند در برابر آنان پایداری کنند و پس از شکست عقب‌نشینی کردند. به دنبال آنها اهل مکه و همه مسلمانان عقب نشستند و پشت سر خود را هم نگاه نکردند.

[۲۳] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۷۹. اتفاقی که نو مسلمانان از آن بسیار خوشحال بودند.

[۲۴] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحدیث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۷۶.

## بازگشت به جنگ

در این هنگام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) **مهاجرین و انصار** را با نام «اصحاب ستمره»، بیعت‌کنندگان در بیعت رضوان صدا می‌زد که برخی از آنان بازگشتند. [۲۵] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق ابو صهب الکریمی، بیروت، دارالافکار الدولية، ۲۰۰۴م، الطبعة الاولى، ج ۲، ص ۳۴۸. **"عباس بن عبدالمطلب"** نیز که صدای بلندتری داشت، همین عمل را انجام می‌داد.

[۲۶] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۵. در آن کارزار سخت، **"علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)"**، **"فضل بن عباس"** و برادر او **"ربیع بن حارث"**، **"ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب"**، **"عباس بن عبدالمطلب"**، **"اسامة بن زید"** و برخی دیگر، **شجاعت** و پایداری بسیاری از خود نشان دادند.

[۲۷] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۵. این موضوع همبستگی مجددی را به سپاه اسلام بازگرداند و مسلمانان لبیک‌گویان بازگشتند. آنان انسجام و نظم از دست رفته را باز یافتند و همین امر منجر به شکست هوازن و هم‌پیمانان آنان شد.

[۲۸] ابن عقبه، مجد بن موسی، المغازی النبویه، تحقیق حسین مرادی نسب، قم، منشورات ذی القربی، ۱۴۱۴هـ.ق، الطبعة الاولى، ص ۳۶۸. با این وجود و شکست اولیه مسلمانان بیش از چهار تن از آنان کشته نشدند.

[۲۹] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۹۳۲. و بازماندگان هوازن به جاهای مختلف از جمله «طائف» فرار کردند.

[۳۰] ابن عقبه، مجد بن موسی، المغازی النبویه، تحقیق حسین مرادی نسب، قم، منشورات ذی القربی، ۱۴۱۴هـ.ق، الطبعة الاولى، ص ۳۶۸.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور داد، هر که مشرکی را بکشد، لباس و **سلاح مقتول** مال او باشد. همچنین گروهی را به فرماندهی **"ابو عامر اشعری"** با همراهی **"سعد بن اکوع"** به تعقیب هوازنیان فراری فرستاد.

[۳۱] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۴۶۴. در این تعقیب و گریز ابو عامر کشته شد و سعد بن اکوع به جای او فرمانده گروه شد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از شنیدن خبر **شهادت** ابو عامر برای

وی دعای بسیار کرد.  
[۲۳] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ. ق.، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۶.

## اسامی غزوه حنین

آنرا یوم حنین،  
[۲۳] توبه/سوره ۹، آیه ۲۵.  
[۲۴] ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیره، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۲۴۱.  
[۲۵] وقعه حنین،  
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.  
غزاه حنین،  
[۲۶] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۲۰۰، ج ۱، ص ۳۸۲.  
غزوه هوازن  
[۲۷] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۱۴.  
[۲۸] مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبيه والإشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.  
و وقعه هوازن  
[۲۹] ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیره، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۲۴۱.  
نیز نامیده اند.

## زمان واقعه حنین

درباره تاریخ این غزوه گفته‌اند وقتی رسول خدا در روز جمعه، ده روز مانده از رمضان سال هشتم مکه را فتح کرد، پانزده شب در مکه ماند و سپس شنبه ششم شوال روانه حنین شد.  
[۴۰] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۸۸۹.  
[۴۱] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۳۷.  
[۴۲] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۵۰.  
[۴۳] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۳۹.  
[۴۴] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۴۳.  
[۴۵] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۳۸.

## موقعیت حنین

حنین درهای است در شمال شرقی مکه، میان وادی الشرایع و وادی یدعان (جدعان امروزی).  
[۴۶] فؤاد حمزه، قلب جزيرة العرب، ریاض ۱۳۵۲/۱۹۳۲، ج ۱، ص ۲۷۶.

حنین که در منطقه طائف است، با مکه ده میل و اندی  
[۴۷] بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، چاپ مصطفی سقا، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۳، ج ۲، ص ۴۷۱.  
یا سه شب راه  
[۴۸] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۴۹.  
فاصله داشت.  
حنین دارای آبی بود، که به دستور زبیده همسر هارون الرشید و مادر امین از آنجا جوی‌هایی تا مکه کشیده شد. در این ناحیه عثمان باغی‌ای داشت.  
[۴۹] مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۶.  
[۵۰] بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، چاپ مصطفی سقا، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۱۲.  
[۵۱] ازرقی، مجد بن عبدالله، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، چاپ رشدی صالح ملحس، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۳، چاپ افسست قم ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۲۳۱.

## علت وقوع غزوه حنین

سبب این غزوه آن بود که اشراف قبیله هوازن و قبیله ثقیف از بیم آن‌که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از فتح مکه به جنگ با آنان اقدام کند تصمیم گرفتند پیش از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به جنگ اقدام کنند.  
[۵۳] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۸۸۵.  
[۵۳] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۳۸.  
به روایتی نیز چون رسول خدا برای فتح مکه، از مدینه حرکت کرد، هوازن و ثقیف به خیال این‌که پیامبر قصد آنان را دارد، تجمع کردند و پس از فتح مکه در حنین فرود آمدند و تصمیم به جنگ با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گرفتند.  
[۵۴] طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۲، ص ۷۰.

## گروه‌های شرکت‌کننده در جنگ

بیش‌تر تیره‌های هوازن، از جمله نصر، جُشم، سعد بن بکر و گروهی از بنی هلال به سرکردگی مالک بن عوف نصری گرد آمدند، اما برخی از تیره‌های صاحب نام هوازن، مانند کعب و کلاب و بنی کثیم حضور نیافتند.

## قبایل هم‌پیمان ثقیف

تمام قبایل هم‌پیمان ثقیف نیز به رهبری قارب بن أسود و ذوالخمار سبّیع بن حارث و برادرش احمر بن حارث (از بنی مالک) به آنان پیوستند  
[۵۵] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۸۸۵.  
[۵۶] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۰.  
[۵۷] مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبيه والإشراف، ج ۱، ص ۲۷۰.

## اقدامات مالک بن عوف قبل از جنگ

چون مالک بن عوف تصمیم گرفت برای جنگ با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حرکت کند، اموال و زنان و کودکان را نیز با خود همراه کرد تا مردان را در دفاع از آنها دلیر کند. وقتی به اوطاس - که زمینی سخت و هموار و میدانی مناسب برای جولان اسب‌ها بود - رسید، دُرید بن صمّه، پیرمرد نابینای جُشمی که صاحب رأی و جنگ آزموده بود، گفت اگر این جنگ مایه سربلندی بود، مردان شجاع کعب و کلاب در آن شرکت می‌کردند. از اینرو به مالک بن عوف توصیه کرد فقط با مردان به جنگ رود که اگر پیروز شود، دیگران نیز به وی بپیوندند و اگر شکست بخورد، زنان و کودکان آسیب نینند؛ اما مالک بن عوف از سر تکبر به سخن وی توجه نکرد و او را تحقیر نمود.<sup>[۵۸]</sup> ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۰-۸۲. در اوطاس کمک‌هایی از هر ناحیه به آنان می‌رسید.<sup>[۵۹]</sup> واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسس قاهره، ج ۳، ص ۸۸۷-۸۸۶.

## اقدامات امنیتی پیامبر

پیامبر چون این خبر را شنید، عبدالله بن ابی خَدْرَدِ اسْتَمی را فرستاد تا به صورت ناشناس به میان آنان برود و کسب اطلاع کند. وی نیز خبر آورد که مشرکان برای جنگ با مسلمانان همدست شده اند.<sup>[۶۰]</sup> ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۲-۸۳.

## عاریه گرفتن زره از صفوان بن امیه

به روایت ابن اسحاق از امام باقر (علیه‌السلام)، چون رسول خدا تصمیم گرفت به جنگ هوازن برود، کسی نزد صفوان بن امیه (از سران قریش که هنوز مشرک بود) فرستاد و از وی خواست زره ها و سلاح‌هایی که دارد به پیامبر و مسلمانان، عاریه مضمونه (تضمین بازگرداندن عین امانت) دهد. صفوان قبول کرد و یکصد زره داد.<sup>[۶۱]</sup> طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۲، ص ۳۴۶.<sup>[۶۲]</sup> شامی، مجد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدالموجود و علی مجد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳، ج ۵، ص ۳۱۲.

## تعداد سپاهیان اسلام

پیامبر همراه ده هزار تن از یارانش که در فتح مکه با وی بودند و دو هزار نفر از تازه مسلمانان مکه، برای جنگ با هوازن از مکه بیرون رفت.<sup>[۶۳]</sup> ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۰.<sup>[۶۴]</sup> یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲. برخی از این مکیان فقط می‌خواستند ببینند پیروزی از آن که خواهد بود تا غنیمتی برگیرند و حتی بدشان نمی‌آمد که پیامبر و مسلمانان در این جنگ شکست بخورند.<sup>[۶۵]</sup> واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسس قاهره، ج ۳، ص ۸۹۵-۸۹۴. مسلمانان دویست اسب همراه داشتند.<sup>[۶۶]</sup> مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسن، التنبیه والإشراف، ج ۱، ص ۲۶۹.

## جانشین پیامبر در مکه

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عتّاب بن آسید بن ابی العیص را به عنوان امیر مکه تعیین کرد. معاذ بن جبل را نیز در آنجا گمارد تا به مردم احکام اسلامی را بیاموزد.<sup>[۶۷]</sup> ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۷.<sup>[۶۸]</sup> بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۳۸.

## سخن ابوبکر هنگام حرکت

به روایت واقدی،<sup>[۶۹]</sup> بکر واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسس قاهره، ج ۳، ص ۸۹۰. هنگام حرکت، ابوبکر که عده بسیار مسلمانان را دید، گفت امروز از کمی عده مغلوب نمی‌شویم. واقدی در جای دیگر، این سخن را به یکی از اصحاب و در روایتی دیگر به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نسبت داده است.<sup>[۷۰]</sup> ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۸۸۹-۸۹۰.<sup>[۷۱]</sup> شامی، مجد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدالموجود و علی مجد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳، ج ۵، ص ۳۱۷. (که روایت اخیر را نادرست دانسته است).

## پیشاهنگ سپاه اسلام

پیامبر مردان قبیله بنی سُلیم را به فرماندهی خالد بن ولید، به منزله پیشاهنگ فرستاد.<sup>[۷۲]</sup> واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسس قاهره، ج ۲، ص ۸۹۷-۸۹۶.<sup>[۷۳]</sup> ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۰. رسول خدا و مسلمانان و مردان قریش، که هنوز شماری از آنان مشرک بودند، غروب شب سه‌شنبه دهم شوال سال هشتم به حنین رسیدند.<sup>[۷۴]</sup> واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسس قاهره، ج ۳، ص ۸۹۲.<sup>[۷۵]</sup> ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۸۹-۸۹۰.<sup>[۷۶]</sup> ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیرة، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ص ۲۴۱.

## جاسوسی از مسلمانان

مالک بن عوف سه نفر فرستاد تا از مسلمانان خبری آورند. آنان در حالی که از مشاهده سپاه مسلمانان سخت مرعوب شده بودند، بازگشتند. با وجود این، مالک بن عوف شبانه یارانش را در وادی حنین مستقر کرد تا یکباره بر مسلمانان هجوم برند.

## پرچمداران سپاه اسلام

رسول خدا نیز سحرگاه صفوف یاران خود را آراست و پرچم‌ها را به پرچمداران سپرد؛ لوی مهاجران به دست علی (علیه‌السلام)، لوی خزرج به دست خُباب بن مُنذر (و به قولی به دست سعد بن عبّاده) و اوس به دست اُسَید بن خُصَیر بود. تیره های قبایل اوس و خزرج و قبایل عرب نیز هریک پرچمی داشتند.

## بازدید پیامبر از سپاه

رسول‌خدا در حالی که لباس رزم پوشیده بود، از صفوف لشکریان بازدید کرد و آنان را به جنگ و شکیبایی برانگیخت و مژده پیروزی داد. آنگاه در تاریکی صبح همراه مسلمانان از دره حنین به زیر آمد.

[۷۷] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۸۹۷-۸۹۵.  
[۷۸] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۰.

## حمله مشرکان به مسلمانان

مشرکان هوازن و ثقیف که در شکافهای دره و اطراف آن کمین کرده بودند، یکباره به مسلمانان حمله کردند. نخست سواران بنی سُلَیم و سپس مکیان و سایر مردم پراکنده و منهزم شدند. به گونه‌ای که هیچ کسی پشت سر خود را نگاه نمی‌کرد.

[۷۹] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۸۹۷.  
[۸۰] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۳.

پیامبر به لشکریانش می‌گفت به سوی من آید، من رسول خدا، مجد پسر عبدالله هستم، اما مردم پراکنده شدند و فقط عده‌ای اندک با پیامبر ماندند.  
[۸۱] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۵.

## شمار حامیان پیامبر

منابع درباره شمار کسانی که در کنار پیامبر ثابت قدم ماندند، اختلاف دارند. پاره‌ای روایات از چهار نفر یاد کرده اند: علی (علیه‌السلام)، عباس بن عبدالمطلب و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب که از بنی‌هاشم بودند، و ابن مسعود.

[۸۲] ابن ابی شیبہ، المصنّف فی الاحادیث و الآثار، چاپ سعید مجد لجام، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹، ج ۸، ص ۵۵۲-۵۵۳.  
[۸۳] شامی، مجد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدالموجود و علی مجد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳، ج ۵، ص ۳۳۹.

به روایت دیگر فقط ده یا نه نفر از بنی‌هاشم، از جمله سه تن یاد شده و یک نفر از غیر بنی‌هاشم یعنی اَیْمَن بن ام ایمن که بعداً به شهادت رسید با پیامبر ماندند.

[۸۴] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.  
[۸۵] فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۶.  
در پاره‌ای از روایات، نام عده‌ای دیگر از جمله برخی مهاجران و انصار را افزوده اند  
[۸۶] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۵-۸۶.  
[۸۷] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۱.  
[۸۸] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۳۸.  
[۸۹] طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۲، ص ۷۴.

## شمار فراریان از جنگ

و گاه عده آنان را یکصد تا سیصد تن نوشته اند.

[۹۰] فَحَرَزَتْهُمْ وَاقْدَى، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۹۰۰-۹۰۱.  
[۹۱] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۳۸.  
[۹۲] احمد بن عبدالوہاب نویری، نهاية‌الارب فی فنون الادب، قاهره ۱۹۲۳-۱۹۹۰، ج ۱۷، ص ۳۲۸.  
برخی از مردم مکه (طلقاً) که گریخته بودند، همچون ابوسفیان بن حرب و کَلْدَة بن حَتَبَل کینه خود را از اسلام و مسلمانان آشکار ساختند و حتی شیبیه بن عنمان بن ابی طلحه که پدرش در جنگ احد کشته شده بود، قصد جان پیامبر را کرد که ناموفق ماند.  
[۹۳] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۹۰۹-۹۱۰.  
[۹۴] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۶-۸۷.  
[۹۵] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.

## راهکار پیامبر برای برگرداندن فراریان

رسول خدا که چنان دید، به عباس بن عبدالمطلب که عنان استر پیامبر را گرفته بود و صدایی بلند و رسا داشت فرمود تا ندا کند: ای انصار، ای اصحاب سَمْرَه، ای اصحاب سوره البقره. پس از آن، فراریان لیبک‌گویان و شتابان از هر سوی نزد رسول خدا بازگشتند.

[۹۶] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۸۸۸-۸۸۹.  
[۹۷] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۷.  
[۹۸] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۱.  
[۹۹] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲۶.

به گونه‌ای که یکصد تن نزد پیامبر گرد آمدند، که پیامبر دلیرانه به پاری آنان با مشرکان جنگید.  
[۱۰۰] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۳، ص ۹۰۰۹۰۱.  
[۱۰۱] طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۳، ص ۷۶-۷۵.

## قویترین مرد میدان

پس از آن حضرت علی (علیه‌السلام) در پیکار از همه قوی‌تر و دلیرتر بود.  
[۱۰۲] شامی، مجد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدالوجود و علی مجد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳، ج ۵، ص ۳۳۴.  
به تعبیر قرآن، خدای متعال آرامش خود را بر پیامبر و بر مؤمنان فرود آورد.  
[۱۰۳] توبه/سوره ۹، آیه ۲۶.

شعار انصار، نخست «یا لَآنصار» بود و سپس «یا لَلخَزْرَج» می گفتند. چون پیامبر به معرکه نبرد و پایداری و شکیبایی مسلمانان نگرست، فرمود اکنون تنور جنگ گرم شد.  
[۱۰۴] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۳، ص ۸۹۹.  
[۱۰۵] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۷.  
علی (علیه‌السلام) به پرچمدار دشمن حمله کرد و او را کشت و پس از آن مشرکان هزیمت یافتند.  
[۱۰۶] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.  
[۱۰۷] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل، ج ۲، ص ۲۶۲.  
[۱۰۸] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۸۸.

## هلاکت دشمن به دست حضرت علی

به روایتی، علی (علیه‌السلام) چهل تن از دشمنان را به هلاکت رساند.  
[۱۰۹] کلینی، یعقوب، اصول الکافی، ج ۸، ص ۳۷۶.  
[۱۱۰] فضل بن حسن، طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۷.  
در غزه حنین برخی از زنان انصار همچون **ام سلیم** که باردار بود، ام‌غماره، ام سلیط و **ام حارث**، مردانه جهاد کردند.  
[۱۱۱] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۲، ص ۹۰۲۹۰۴.  
[۱۱۲] طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۲، ص ۷۸-۷۷.  
[۱۱۳] شامی، مجد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدالوجود و علی مجد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳، ج ۵، ص ۳۳۰-۳۳۱.

## سبب هزیمت دشمن

رسول خدا مشتی **خاک برداشت** و به سوی دشمن افکند و فرمود «نصرت نیابند» و آن موجب هزیمتشان شد.  
[۱۱۴] طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۲، ص ۷۸.  
[۱۱۵] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۲، ص ۸۹۹.  
برای به تصریح قرآن مجید  
[۱۱۶] توبه/سوره ۹، آیه ۲۶.  
و روایات اسلامی،  
[۱۱۷] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۳، ص ۹۰۵۹۰۶.  
[۱۱۸] طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری (بیروت)، ج ۳، ص ۷۷.  
[۱۱۹] نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاية‌الارب فی فنون الادب، قاهره ۱۹۲۳/۱۹۹۰، ج ۱۷، ص ۳۳۴.  
در روز حنین **فرشتگان** خدا برای پاری مسلمانان فرود آمدند و همراه آنان به جنگ پرداختند.  
چون پیامبر شنید که برخی مسلمانان به قتل کودکان دست زده و زنی از مشرکان را کشته‌اند، ناراحت شد و مؤکداً آنان را از کشتن زن و کودک و اجیر نهی فرمود.  
[۱۲۰] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۳، ص ۹۰۵.  
[۱۲۱] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۳، ص ۹۱۲.  
[۱۲۲] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۰۰.

## کشته شدگان از بنی مالک

چون هوازن هزیمت یافت، هفتاد تن از بنی مالک از تیره‌های ثقیف کشته شدند  
[۱۲۳] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۹۲.  
[۱۲۴] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افست قاهره، ج ۳، ص ۹۰۷.  
(نزدیک صد نفر).  
در پاره‌ای روایات، شمار کشتگان هوازن به عدد کشتگان قریش در بدر، یعنی هفتاد تن نوشته شده  
[۱۲۵] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۵.  
[۱۲۶] ذهبی، مجد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، المغازی، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷، ج ۱، ص ۵۸۲.  
ولی **مسعودی**  
[۱۲۷] مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبیه والإشراف، ج ۱، ص ۲۷۰.  
آن را حدود ۱۵۰ تن نوشته است.  
درید بن صمه نیز در بین کشته شدگان بود.  
[۱۲۸] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۳.  
در این غزه، مسلمانان شش هزار زن و کودک از مشرکان را اسیر و ۲۴ **شتر**، بیش از چهل هزار **گوسفند** و چهار هزار **اوقیه** نقره **غنیمت** گرفتند.  
[۱۲۹] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۵.



## اقدامات مشرکان پس از جنگ

مشرکان همراه مالک بن عوف به طائف رفتند. بعضی از آنها نیز در **اوطاس** اردو زدند و پاره‌های دیگر، یعنی بن و غیره از تعقیب به نخله رفتند. پیامبر گروهی را به تعقیب مشرکانی که به نخله رفتند

[۱۳۱] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۲، ص ۹۱۴.

[۱۳۲] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۹۵.

[۱۳۳] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۱.

و **ابوعامر اشعری** را نیز به دنبال مشرکانی که به اوطاس رفتند، روانه کرد. ابوعامر در جنگ با آنان کشته شد و پسرعموی وی، **ابوموسی اشعری**، با مشرکان جنگید و آنان را شکست داد.

[۱۳۴] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۹۱۵-۹۱۶.

[۱۳۵] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۴۰.

## رفتار پیامبر با خواهر رضاعی خود

در این نبرد، شیمیا دختر حارث بن عبدالعزی، خواهر رضاعی پیامبر، به دست مسلمانان افتاد. چون او را نزد پیامبر بردند، وی را احترام کرد و به درخواست خود وی، او را نزد قومش بازگرداند.

[۱۳۶] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۳، ص ۹۱۳-۹۱۴.

[۱۳۷] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۰۱.

گفته شده که گفتگوی شیمیا با پیامبر و وساطت وی درباره اسیران هوازن، یکی از دلایل آزادی اسرا بوده است

[۱۳۸] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۳.

[۱۳۹] مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسن، التنبیه والإشراف، ج ۱، ص ۱۹۷.

پس از پایان جنگ، پیامبر اجازه داد هر که کسی از دشمن را کشته است، لباس رزم و جنگ افزار (سَلَب) وی را برای خود بردارد.

[۱۴۰] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره، ج ۲، ص ۹۰۸.

[۱۴۱] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۹۱.

## مسئول غنائم مسلمانان

آنگاه اسیران و غنایم را نزد رسول خدا گردآوردند. مسئول غنایم مسعود بن عمرو غفاری بود.

[۱۴۲] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۰۱.

در روایات دیگر، از بُذیل بن وُرَقاء خُزاعی به عنوان مسئول اسرا یاد شده است

[۱۴۳] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۱، ص ۳۶۵.

[۱۴۴] ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۶۶.

پیامبر فرمود تا اسیران و اموال را به جِفرانه (جِفرانه) در شمال‌غربی دره حنین ببرند و در آنجا نگه دارند.

[۱۴۵] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۰۱.

[۱۴۶] ابن سعد، مجد بن سعد، طبقات، پانویس ۳، (بیروت)، ج ۱، ص ۳۴۶.

## حرکت پیامبر به سمت جعرانه

پس از غزوه طائف، رسول خدا شب پنجشنبه، ۵ ذیقعه سال هشتم، به جعرانه رفت.

[۱۴۷] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۳۰.

[۱۴۸] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۴.

در آنجا هیئت هوازن نزد پیامبر رفت و با **توسل** به خویشاوندی رضاعی پیامبر با اسیران، خواهان آزادی آنان شد. چون رسول خدا سهم اسیران خود و بنی عبدالمطلب را به آنان بخشید، مهاجران و انصار نیز از سهم خود گذشتند و آن را به پیامبر واگذاشتند. چند تن که نپذیرفته بودند، بعداً اسیران خود را آزاد کردند.

[۱۴۹] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۳.

[۱۵۰] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۴.

## نحوه تقسیم غنائم

پیامبر هنگام تقسیم غنایم، نخست به اشراف **قریش** و قبایل عرب سهم داد تا دل‌های آنان و قومشان را به **اسلام** متمایل سازد. سپس به برخی همچون ابوسفیان بن حرب، یکصد شتر و به دیگران پنجاه یا چهل شتر داد. آنگاه فرمود تا مردم و غنایم را شمارش کردند و به هر یک سهمی داد.

چون پیامبر به اشراف قریش و عرب سهم‌های کلان داد، گروهی از انصار زبان به طعن و **اعتراض** گشودند. پیامبر در جمع انصار سخنانی ایراد کرد و ایشان را شرمند و خشنود ساخت و در حق آنان دعا فرمود.

[۱۵۱] ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۳.

[۱۵۲] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۳.

## پایان جنگ

بعد از پایان جنگ مسلمانان اموال فراوانی از اسراء و **احشام** جمع‌آوری کرده و همه را در منطقه‌ای به نام «جعرانه» مستقر کردند.

[۱۵۲] واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۹۱۹.

به دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برای اسراء سایه بانی فراهم شد تا آنان از آفتاب گرم و سوزان در امان باشند. در این جنگ شش هزار اسیر، ۲۴ هزار شتر، بیش از ۴۰ هزار گوسفند و چهار هزار اوقیه نقره، به غنیمت مسلمانان درآمد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مدتی از تقسیم اسراء خودداری کردند تا شاید نمایندگان قبایل برای آزاد کردن افراد خود اقدام کنند، از این رو نخست اموال را تقسیم کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در این جنگ به عده‌ای از مشرکان مانند "ابوسفیان و دو پسرش"، "یزید" و "معاویه"، "حکیم بن حزام"، "نصر بن حارث بن کلد"، "اسد بن جریه ثقفی"، "حارث بن هشام"، "صفوان بن امیه"، "قیس بن عدیگ" و عده‌ای دیگر اموالی را به عنوان «مؤلفه القلوب» پرداخت کرد. [۱۵۴] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۶.

## هجرت به مدینه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شب پنجشنبه، پنجم ذی قعدة به جعرانه بازگشت و سیزده شب در آنجا توقف نمود. سپس تصمیم گرفت تا به مدینه باز گردد. از این رو در شب چهارشنبه، هجدهم ذی قعدة شبانه احرام بست و به مکه مشرف شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بعد از طواف و سعی، همان شب به جعرانه بازگشت و صبح روز بعد، به همراه یاران خود به مدینه بازگشت. [۱۵۵] ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۷.

## فهرست منابع

- (۳) مجد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، چاپ ابوالقاسم گرجی، تهران ۱۳۵۹ ش.
- (۲) ابن ابی شیبیه، المصنف فی الاحادیث و الآثار، چاپ سعید مجد لحام، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹.
- (۴) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ.
- (۵) ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیره، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰.
- (۶) ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، (بیروت).
- (۷) ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- (۸) مجد بن عبدالله ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، چاپ رشدی صالح ملحس، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۳، چاپ افسست قم ۱۳۶۹ ش.
- (۹) عبدالله بن عبدالعزیز بکری، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، چاپ مصطفی سقا، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۳.
- (۱۰) بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰.
- (۱۱) ابراهیم بن اسحاق حربی، کتاب المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، چاپ حمد جاسر، ریاض ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- (۱۲) مجد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، المغازی، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
- (۱۳) مجد بن یوسف شمسشامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدال موجود و علی مجد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳.
- (۱۴) فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷.
- (۱۵) طبری، تاریخ طبری (بیروت).
- (۱۶) فؤاد حمزه، قلب جزیره العرب، ریاض ۱۳۵۲/۱۹۳۳.
- (۱۷) کلینی، یعقوب، اصول الکافی.
- (۱۸) مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبیه والإشراف.
- (۱۹) مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب، (بیروت).
- (۲۰) احمد بن عبدالوهاب نویری، نهائة الارب فی فنون الادب، قاهره ۱۹۲۳-۱۹۹۰.
- (۲۱) واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶، چاپ افسست قاهره.
- (۲۲) یعقوبی، تاریخ یعقوبی.

## پانویس

۱. ↑ ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحديث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۸۸۹.
۲. ↑ توبه/سوره ۹۵، آیه ۲۵.
۳. ↑ ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیره، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۲۴۱.
۴. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.
۵. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ۱۹۹۶۲۰۰۰، ج ۱، ص ۳۸۲.
۶. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۱۴.
۷. ↑ مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبیه والإشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.
۸. ↑ ابن حزم، علی بن احمد، جوامع السیره، و خمس رسائل اخری، چاپ احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۲۴۱.
۹. ↑ ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحديث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۷۱.
۱۰. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۲، ص ۱۱۴.
۱۱. ↑ ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحديث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۸۸۹.
۱۲. ↑ واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۹۵.
۱۳. ↑ واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۸۷.
۱۴. ↑ ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحديث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۹۳۶.
۱۵. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۴۶۳.
۱۶. ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق ابو صهب الکریمی، بیروت، دارالافکار الدولية، ۲۰۰۴م، الطبعة الاولى، ص ۴۴۲.
۱۷. ↑ واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۹۷.
۱۸. ↑ واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۹۵.
۱۹. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۴۶۳.
۲۰. ↑ واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۸۹.
۲۱. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۲، ص ۱۱۴.
۲۲. ↑ ابن عقبه، مجد بن موسی، المغازی النبویه، تحقیق حسین مرادی نسب، قم، منشورات ذی القربی، ۱۴۱۴ هـ.ق، الطبعة الاولى، ص ۳۶۷.
۲۳. ↑ واقدی، مجد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۸۷۹.
۲۴. ↑ ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق جمال ثابت و دیگران، قاهره، دارالحديث، ۱۹۹۸م، الطبعة الاولى، ج ۴، ص ۷۶.
۲۵. ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق ابو صهب الکریمی، بیروت، دارالافکار الدولية، ۲۰۰۴م، الطبعة الاولى، ج ۲، ص ۳۴۸.
۲۶. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۵.
۲۷. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۵.



- ٢٨ ↑ ابن عقيه، مجد بن موسى، المغازى النبوية، تحقيق حسين مرادى نسب، قم، منشورات ذى القربى، ١٤١٤هـ.ق.، الطبعة الاولى، ص٢٤٨.
- ٢٩ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، تحقيق مارسدن جونز، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٩٨٩م، الطبعة الاولى، ج٢، ص٩٢٢.
- ٣٠ ↑ ابن عقيه، مجد بن موسى، المغازى النبوية، تحقيق حسين مرادى نسب، قم، منشورات ذى القربى، ١٤١٤هـ.ق.، الطبعة الاولى، ص٢٤٨.
- ٣١ ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٧هـ.ق.، الطبعة الاولى، ج٢، ص٤٤٤.
- ٣٢ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق مجد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ٥١٤١٠هـ.ق.، الطبعة الاولى، ج١، ص١١٦.
- ٣٣ ↑ توبه/سوره٩، آيه٢٥.
- ٣٤ ↑ ابن حزم، على بن احمد، جوامع السيرة، و خمس رسائل اخرى، چاپ احسان عباس و ناصرالدين اسد، قاهره ١٩٥٠، ج١، ص٢٤١.
- ٣٥ ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
- ٣٦ ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٦٢٠٠، ج١، ص٢٨٢.
- ٣٧ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١١٤.
- ٣٨ ↑ مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين، التنبيه والإشراف، ج١، ص٢٢٢.
- ٣٩ ↑ ابن حزم، على بن احمد، جوامع السيرة، و خمس رسائل اخرى، چاپ احسان عباس و ناصرالدين اسد، قاهره ١٩٥٠، ج١، ص٢٤١.
- ٤٠ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٨٩.
- ٤١ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٢٧.
- ٤٢ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٠.
- ٤٣ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٢٩.
- ٤٤ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٤٢.
- ٤٥ ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٤٢٨.
- ٤٦ ↑ فؤاد حمزه، قلب جزيرةالعرب، رياض ١٢٥٢ / ١٩٢٢، ج١، ص٢٧٦.
- ٤٧ ↑ بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز، معجم مااستعجم من اسماء البلاد و المواضع، چاپ مصطفى سقا، بيروت ١٩٨٢ / ١٤٠٢، ج٢، ص٤٧١.
- ٤٨ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٤٩.
- ٤٩ ↑ مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين، مروج الذهب، ج٢، ص٧٦.
- ٥٠ ↑ بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز، معجم مااستعجم من اسماء البلاد و المواضع، چاپ مصطفى سقا، بيروت ١٩٨٢ / ١٤٠٢، ج١، ص٢١٢.
- ٥١ ↑ ازرقى، مجد بن عبدالله، اخبار مكة و ماجاء فىها من الآثار، چاپ رشدى صالح ملحس، بيروت ١٩٨٢ / ١٤٠٢، چاپ افست قم ١٣٦٩ش، ج٢، ص٢٣١.
- ٥٢ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٨٥.
- ٥٣ ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٤٢٨.
- ٥٤ ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٧٠.
- ٥٥ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٨٥.
- ٥٦ ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ايبارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٢، ص٨٠.
- ٥٧ ↑ مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين، التنبيه والإشراف، ج١، ص٢٧٠.
- ٥٨ ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ايبارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٢، ص٨٢-٨٠.
- ٥٩ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٨٧.
- ٦٠ ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ايبارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٢، ص٨٢-٨٢.
- ٦١ ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٣٤٦.
- ٦٢ ↑ شامى، مجد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خيرالعباد، چاپ عادل احمد عبدال موجود و على مجد معوض، بيروت ١٩٩٢ / ١٤١٤، ج٥، ص٣١٢.
- ٦٣ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٠.
- ٦٤ ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
- ٦٥ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٩٤٨٩٥.
- ٦٦ ↑ مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين، التنبيه والإشراف، ج١، ص٢٦٩.
- ٦٧ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٢٧.
- ٦٨ ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٤٢٨.
- ٦٩ ↑ بكرى واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٩٠.
- ٧٠ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص٨٨٩-٨٩٠.
- ٧١ ↑ شامى، مجد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خيرالعباد، چاپ عادل احمد عبدال موجود و على مجد معوض، بيروت ١٩٩٢ / ١٤١٤، ج٥، ص٣١٧.
- ٧٢ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٩٦٨٩٧.
- ٧٣ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٠.
- ٧٤ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٩٢.
- ٧٥ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٨٨٩-٨٩٠.
- ٧٦ ↑ ابن حزم، على بن احمد، جوامع السيرة، و خمس رسائل اخرى، چاپ احسان عباس و ناصرالدين اسد، قاهره ١٩٥٠، ص٢٤١.
- ٧٧ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٩٥٨٩٧.
- ٧٨ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥١.
- ٧٩ ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افست قاهره، ج٢، ص٨٩٧.
- ٨٠ ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ايبارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٢، ص٨٢.
- ٨١ ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ايبارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٢، ص٨٥.
- ٨٢ ↑ ابن ابى شيبه، المصنف فى الاحاديث و الآثار، چاپ سعيد مجد لثام، بيروت ١٩٨٩ / ١٤٠٩، ج٨، ص٥٥٢-٥٥٣.
- ٨٣ ↑ شامى، مجد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خيرالعباد، چاپ عادل احمد عبدال موجود و على مجد معوض، بيروت ١٩٩٢ / ١٤١٤، ج٥، ص٣٣٩.
- ٨٤ ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
- ٨٥ ↑ فضل بن حسن طبرسى، اعلام الورى باعلام الهدى، قم ١٤١٧، ج١، ص٢٨٦.
- ٨٦ ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ايبارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٢، ص٨٤-٨٥.
- ٨٧ ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥١.
- ٨٨ ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٤٢٨-٤٢٩.
- ٨٩ ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٧٤.

٩٠. ↑ فَحَرَزْتُهُمْ وَاقْدَى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٩٠٩٠.
٩١. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٤٢٨.
٩٢. ↑ احمد بن عبدالوهاب نويري، نهايةالارب فى فنون الادب، قاهره ١٩٢٣-١٩٩٠، ج١٧، ص٣٢٨.
٩٣. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٩٩١٠.
٩٤. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٨٧-٨٦.
٩٥. ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
٩٦. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٨٩٨٨٩٩.
٩٧. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٨٧.
٩٨. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥١.
٩٩. ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢٦٣.
١٠٠. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٩٠٩١.
١٠١. ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٧٥-٧٤.
١٠٢. ↑ شامى، مجد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خيرالعباد، چاپ عادل احمد عبدال موجود و على مجد معوض، بيروت ١٩٩٣/١٤١٤، ج٥، ص٣٢٤.
١٠٣. ↑ توبه/سوره٩، آيه٢٦.
١٠٤. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٨٩٩.
١٠٥. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٨٧.
١٠٦. ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
١٠٧. ↑ ابن اثير، عزالدين على، الكامل، ج٢، ص٢٦٢.
١٠٨. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٨٨.
١٠٩. ↑ كلبى، يعقوب، اصول الكافى، ج٨، ص٣٧٦.
١١٠. ↑ فضل بن حسن، طبرسى، اعلام الورى باعلام الهدى، قم ١٤١٧، ج١، ص٢٨٧.
١١١. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٣٩٠٤.
١١٢. ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٧٨٧٧.
١١٣. ↑ شامى، مجد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خيرالعباد، چاپ عادل احمد عبدال موجود و على مجد معوض، بيروت ١٩٩٣/١٤١٤، ج٥، ص٣٣١-٣٣٠.
١١٤. ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٧٨.
١١٥. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٨٩٩.
١١٦. ↑ توبه/سوره٩، آيه٢٦.
١١٧. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٥٩٠٦.
١١٨. ↑ طبرى، مجد بن جرير، تاريخ طبرى (بيروت)، ج٢، ص٧٧.
١١٩. ↑ نويري، احمد بن عبدالوهاب، نهايةالارب فى فنون الادب، قاهره ١٩٩٠-١٩٣٣، ج١٧، ص٣٣٤.
١٢٠. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٥.
١٢١. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩١٢.
١٢٢. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٠٠.
١٢٣. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٩٢.
١٢٤. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٧.
١٢٥. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٥.
١٢٦. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، المغازي، چاپ عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت ١٩٨٧/١٤٠٧، ج١، ص٥٨٢.
١٢٧. ↑ مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين، التنبيه والإشراف، ج١، ص٢٧٠.
١٢٨. ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
١٢٩. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٥.
١٣٠. ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
١٣١. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩١٤.
١٣٢. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٩٥.
١٣٣. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥١.
١٣٤. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩١٦٩١٥.
١٣٥. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٤٣٩-٤٤٠.
١٣٦. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩١٣٩١٤.
١٣٧. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٠١.
١٣٨. ↑ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٦٢.
١٣٩. ↑ مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين، التنبيه والإشراف، ج١، ص١٩٧.
١٤٠. ↑ واقدى، مجد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ مارسدن جونز، لندن ١٩٦٦، چاپ افسست قاهره، ج٣، ص٩٠٨.
١٤١. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص٩١.
١٤٢. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٠١.
١٤٣. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوسعظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠، ج١، ص٢٤٥.
١٤٤. ↑ ابن اثير، عزالدين على، الكامل فى التاريخ، ج٢، ص٢٦٦.
١٤٥. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٠١.
١٤٦. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، طبقات، پانويس ٢، (بيروت)، ج١، ص٣٤٦.
١٤٧. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٢٠.
١٤٨. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٤.
١٤٩. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٢٠-١٢٢.
١٥٠. ↑ ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٢، ص١٥٣-١٥٤.
١٥١. ↑ ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، چاپ مصطفى سقا، ابراهيم ابيارى، و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ج٤، ص١٥١.

۱۵۲. ابن سعد، ۱۳۴-۱۴۳. مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۵۲.
۱۵۳. واقدی، مجد بن عمر، كتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى، ج ۳، ص ۹۱۹.
۱۵۴. ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰هـ.ق،، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۶.
۱۵۵. ابن سعد، مجد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق مجد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰هـ.ق،، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۱۱۷.

## منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «غزوه حنین»، تاریخ بازبینی ۹۵/۷/۳.  
دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «غزوه حنین»، شماره ۶۶۱۴.

رده‌های این صفحه : تاریخ اسلام | جنگ های پیامبر | غزوات پیامبر | غزوه حنین | مقالات پژوهه